

پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران

اسما لطفی^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

چکیده

بدون تردید پیشگیری از بزهکاری اولویت اول در سیاست گذاری های جنایی کشور های مختلف است و در این میان پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان اهمیت فوق العاده ای دارد. کودکی و نوجوانی حساس ترین دوران رشد انسان است. گرایش به بزهکاری در دوران کودکی، اطفال و نوجوانان را از طی مسیر رشد و تعالی باز داشته، جایگاه آینده آنان را در اجتماع به مخاطره می اندازد از آنجا که دوران کودکی دوران شکل گیری شخصیت اطفال و نوجوانان است. بروز انحراف در این دوران موجب مزمن شدن بزهکاری در سنین بزرگسالی خواهد شد. برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان پیشگیری وضعی و پیش گیری اجتماعی تاثیر گذارتر از دیگر طبقه بندی های پیشگیری است. پیشگیری وضعی با کاهش فرصت های ارتکاب جرم و کنترل موقعیت های جرم زا از طریق دشوار ساختن ارتکاب جرم و افزایش خطر ارتکاب جرم و کاهش جاذبه آماج ها در صدد پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان می باشد.

واژه های کلیدی: پیشگیری، بزهکاری، اطفال و نوجوانان، حقوق ایران

مقدمه

مسئله بزهکاری اطفال و نوجوانان از جمله مسائل بغرنج اجتماعی است که دنیای امروز را شدیداً به خود مشغول داشته است. پیش از یک قرن، یعنی از اواخر قرن نوزدهم، ارتکاب جرم و جنایت از ناحیه کودکان و نوجوانان، در کشورهای بزرگ صنعتی جلب توجه نموده است از آن هنگام تاکنون در ممالک مترقی جهان اکثریت محققین، جامعه شناسان، جرم شناسان، روانشناسان، روانپزشکان و متخصصین تعلیم و تربیت برای یافتن راه حلی جهت جلوگیری از بروز بزهکاری در میان اطفال و نوجوانان جهان، در تکاپو بوده اند. در حال حاضر در مطبوعات اکثر کشورهای جهان مسئله بزهکاری خردسالان و لزوم پیشگیری از آن به صورت بحث روز در آمده است. هرگاه خانواده و جامعه نسبت به کودکان و نوجوانان بی توجه و سهل انگار باشند و کودکی به بزهکاری روی آورده و به زندگی ناسالم عادت کند، در بزرگسالی احتمال بازگشت به اجتماع و اصلاح وی تقریباً غیر ممکن است.

به همین جهت است که تمام تلاش حقوقدانان، جرم شناسان، یافتن نظام قضایی و تربیتی ویژه ای برای بزهکاری کودکان و نوجوانان است و این تلاش ها ارائه راه حل ها و الگوهای خاصی برای تربیت و جایگزینی مجازات است و منجر به تصویب مقررات خاصی در قوانین کشورها و قوانین بین المللی شده است. کودکان و نوجوانان سرشار از انرژی هستند و دوران نوجوانی و بلوغ دوران بیقراری و سرکشی است. دورانی است که در صورتی که امکانات و فرصت ها بر اختیار نوجوانان باشد. در هر زمینه از علم، هنر و ورزش، خلاقیت ها و توانایی هایشان را به منصه ی ظهور می رسانند. اما برخوردهای خشونت آمیز با نوجوانان آنان را سرکش و انتقام جو بار می آورد. سرکوب شدید موجب بی تفاوتی یا اعتیاد یا افسردگی و اضطراب آنان می گردد. در کشورهایی که بزرگسالان وضعیت روحی و جسمی کودکان و مراحل رشد آنان و دگرگونی های این دوره از زندگی آنان را درک کرده اند تمام امکانات و تجهیزات خود را در جهت هدایت و حمایت کودکان و نوجوانان به راه های صحیح و رفتاری سالم به کار گرفته اند.

۱- مفهوم پیشگیری و مفاهیم مشابه

۱-۱- پیشگیری

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری، دفع، صیانت، پاسداری، ممانعت، بستن جلو، جلوی وقوع چیزی را گرفتن، هشدار دادن درباره وقوع چیزی، و همچنین آگاه کردن و خبر چیزی را دادن است. پیشگیری در مفهوم مضیق و موسع خود عبارت از مجموعه وسایل و ابزارهایی که دولت برای مهار بهتر بزهکاری مورد استفاده قرار داده و از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم زا و یا اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی که فرصت ارتکاب جرم را کاهش می دهد. در مقابل، مطابق مفهوم موسع، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می شود بر اساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیر کیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می شوند.

۱-۲- طفل و نوجوان

به طور کلی کودک در لغت عبارتست از هر دختر و پسری که به رشد نرسیده باشد. در اصطلاح حقوقی طفل صغیر به کسی گفته می شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. اگر چه کودک از دیدگاه حقوقی در مباحث مختلف حقوق عمومی، حقوق مدنی، حقوق جزا و حقوق بین المللی مورد بررسی قرار می گیرد اما در این نوشته تاکید بر کودک بزهکار و بزه دیده است. اطفال به عنوان قشری آسیب پذیر و همچنین به دلیل ویژگی های سنی متمایزشان نسبت به بزرگسالان، به گونه ای خاص مرتکب بعضی از جرایم می شوند.

دوران نوجوانی، حدود سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی را در بر گرفته و مرحله ی انتقال طفولیت به دوره جوانی محسوب می گردد. هم زمانی این دوره با پدیده «بلوغ» سبب می شود که این دوره از زندگی از اهمیت و حساسیتی ویژه برخوردار باشد. تردیدی نیست که نوجوانی قبل از نمایان شدن بلوغ آغاز می گردد و مدتها پس از آن، این رشد ادامه می یابد و علت آن است که در تبیین این دوره علاوه بر مشکلات روانی، پاره ای از مشکلات اجتماعی نیز دخیل است. از دیدگاه جرم شناسی طفل یا نوجوان بزهکار فردی است که شخصیت وی در حال شکل گیری بوده و در جریان اجتماعی شدن است.

۳-۱- بزهکاری

بزهکاری در معنا و مفهوم لفظی عبارت است از ترک انجام وظیفه قانونی یا ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد. معذک این اصطلاح غالباً معادل جرم و بویژه در ارتباط با جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان بکار می رود. به عقیده جرم شناسان، هر فعل یا ترک فعلی که برای اکثریت افراد در یک جامعه خطرناک باشد، بزه نامیده می شود. از نظر جرم شناسان بزهکاری کودکان و نوجوانان شامل تمام خطاهای عمومی می شود که از سوی افراد بین ۱۲ تا ۲۰ ساله ارتکاب می یابد.

۲- انواع پیشگیری از جرم

ارائه تعریف پیشگیری این مکان را به ما می دهد که انواع اقداماتی را که برای پیشگیری از جرم لازم است را طبقه بندی کنیم، چرا که ماهیت این اقدامات یکسان نیست. بنابر این تقسیم بندی انواع پیشگیری بر اساس معیار هایی چون سن (تقسیم به پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری عمومی)، طرق پیشگیری (پیشگیری کیفری و پیشگیری وضعی از طریق کاهش فرصتهای جرم)، سطوح پیشگیری (پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثه) و پیشگیری اجتماعی (جامعه مدار و رشد مدار) و معیار های دیگر در چارچوب جرم شناسی پیشگیرانه، ذیلاً مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۲- پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث

پیشگیری در سه مرحله امکان پذیر است. «پیشگیری اولیه» شامل سیاست ها و طرح هایی است که برای پیشگیری از شرایط جرم زا طراحی شده است. در این پیشگیری توجه زیادی به علل بنیادی وقوع جرم در جامعه می شود و بر این عقیده استوار است که جرایم در اثر نارساییهای اجتماعی به وقوع می پیوندد. این نوع پیشگیری - پیشگیری اجتماعی خوانده می شود. بر همین اساس، هدف پیشگیری اولیه کل جامعه است. این نوع از پیشگیری تلاش دارد تا کل جامعه را در مقابل خطر بزهکاری و بزه دیدگی تقویت کند. «پیشگیری ثانویه»، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که به مداخله در مورد افرادی می پردازد که در معرض خطر خارج شدن از مسیر مثبت زندگی قرار دارند. اقدامات پیشگیری ثانویه برای رفع شرایط خطر و بازگرداندن شخص به مسیر مثبت زندگی به کار گرفته می شود و از آنجا که موضوع پیشگیری ثانویه مداخله در شرایط خطر است نسبت به اقدامات پیشگیری اولیه از اولویت و فوریت بیشتری برخوردار است. «پیشگیری ثالث»، این نوع پیشگیری در موقعیت هایی صورت می گیرد که فرد از مرحله خطر عبور کرده و وارد مرحله بزهکاری شده است و لذا این اقدامات به منظور قطع روند بزهکاری، جلوگیری از حرفه ای شدن مجرم و کاستن از جدیت بزهکاری صورت می گیرد.

۲-۲- پیشگیری کیفری

این نوع پیشگیری با اعمال شدید قانون و مجازات توسط دستگاه های ذیربط قضایی و اجرایی از طریق ارعاب، قانون سازی و بازپروری به پیشگیری از ارتکاب جرم می پردازد. چنین رویکردی در آثار جرم شناختی و کیفر شناختی به سیاست یا نظریه محافظه کارانه شناخته شده است. با توجه به بند پنج اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می توان پیشگیری کیفری را از تدابیر و اقدامهای دستگاه قضایی در خصوص اصلاح مجرمان و استفاده مناسب از قرار های تامین و ضمانت اجراها و جلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای عدالت کیفری دانست.

۳-۲- پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود. پیشگیری وضعی با تغییر و وضعیت های ما قبل ارتکاب جرم، مثلاً از طریق دور کردن مجرم احتمالی از بزه دیده یا از محیط جرم زا - کاهش موقعیت های ارتکاب جرم برای مجرمین- یا ایجاد تغییراتی در افکار مجرمین در مورد این فکر که آنها می توانند از یک جرم خاص سالم به در ببرند ارتکاب جرم و بالا بردن خطر شناسایی مجرم مانند ایجاد تغییراتی در ساختمانها و خیابانها برای ایمن سازی بیشتر آنها از وقوع جرم در موقعیت های جرم زا پیشگیری می کند. پیشگیری وضعی با ایجاد تغییر در محیط فیزیکی و شیوه های نظارت و کنترل، در صدد کاهش آمار جرم است.

۴-۲- پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی، ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح جامعه و فرد و منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می شود. در پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبه در صدد هستیم تا معیار شناخت خوب و بد را به فرد القا کرده و به او قدرت ارزیابی عملکرد خویش را بدهیم. پیشگیری اجتماعی به دو نوع پیشگیری اجتماعی جامعه مدار و پیشگیری اجتماعی رشد مدار تقسیم می شود.

۱-۴-۲- پیشگیری اجتماعی جامعه مدار

منظور از پیشگیری جامعه مدار مداخلات و اقداماتی است که برای تغییر در شرایطی که در جامعه برای بزهکاری تأثیر می گذارند طراحی شده اند. این پیشگیری با پیشگیری اولیه در حقیقت همان جامعه پذیر کردن افراد از طریق اقناع درونی و سازگاری مناسب با محیط خانواده و جامعه می باشد.

۲-۴-۲- پیشگیری اجتماعی رشد مدار

در پیشگیری رشد مدار، با شناسایی اطفالی که زود تر از سنین معمولی، نوعی ناسازگاری یا رفتار های منحرفانه از خود نشان می دهند، تلاش می شود تا کمبود ها و مشکلات خاص تربیتی یا تحصیلی و فرهنگی که به این دسته از رفتار ها منجر شده اند، شناسایی و نسبت به آنان با اعضای خانواده آنان و یا گروه همسالان، برخوردی مناسب صورت گیرد. استراتژی های مداخله ی سریع و رشد مدار برای پیشگیری از ارتکاب جرم می تواند در همه مراحل پیشگیری به کار رفته و از ظهور رفتار های بزهکارانه و مشکلات دیگر اجتماعی در اطفال جلوگیری کند. در پیشگیری رشد مدار با برنامه های حمایتی مناسب برای معلمان و خانواده ها در صدد کاهش بزهکاری هستیم.

۵-۲- پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری عمومی

قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. در این تقسیم بندی سیاست پیشگیری افتراقی میان اطفال و نوجوانان بزهکار و بزهکاران بزرگسال اعمال می شود. در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان باید علت آن را شناخت و از بین برد. یکی از عوامل بازدارنده بزهکاری، اخلاق است. اگر کودکان و نوجوانان ارزش ها و باید ها و نبایدهای اخلاقی را خوب درک کنند، به بزهکاری گرایش پیدا نمی کنند. نتایج حقوقی بنیادی که از این تفکیک به دست می آید این است که صغار بزهکار باید اصولاً از نظر کیفری غیر مسئول اعلام شوند و به منظور تأمین اجتماعی شدن آنها، در مورد آنان تدابیر پرورشی به اجرا گذاشته شود، حال آنکه مسئولیت کیفری و مجازات باید به بزهکاران بزرگسال

اختصاص یابد. صغار هر قدر در سنین پائین تر به بزهکاری روی آورند به همان نسبت این خطر در پیش است که به زودی دست از بزهکاری بردارند. به عکس، شخصیت بزهکاران بزرگسال از قابلیت شکل گیری کافی برخوردار است و می توان به وسیله درمان، به ویژه برای سازگاری مجدد آنها با زندگی اجتماعی اقدام نمود ولو اینکه چندید بار دست به تکرار جرم زده باشند.

۳- پیشگیری وضعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان

مبتکر اصلی تئوری پیشگیری وضعی از جرم آقای «رونالد کلارک» انگلیسی است. وی در مورد تعریف پیشگیری وضعی از جرم می گوید: «پیشگیری وضعی از جرم به یک رویکرد پیشگیرانه ای اشاره دارد که نه بر توسعه جامعه و نهاد های آن، بلکه صرفاً بر کاهش موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم مبتنی است».

۳-۱- دشوار ساختن ارتکاب جرم

اقدامات مربوط به کنترل، دسترسی ورود مجرمین بالقوه به محیط های فیزیکی یا مجازی را دشوار تر می سازد و روش منحرف کردن مجرمین از مواجه شدن مجرمین بالقوه با موقعیت یا فرصت ارتکاب جرم پیشگیری می نماید و کنترل آلات و ادوات ارتکاب جرم سبب محدود شدن تسهیل کننده های وقوع جرم که در صورت وجود آن ها مجرمین بالقوه تشویق به ارتکاب جرم می شوند می گردد. ذیلأ موارد مذکور شرح داده می شود.

هر دسته از بزهکاران، محاسبات متفاوتی را در ارتکاب جرم مد نظر قرار می دهند. این حساب گری ها شرایط انتخاب آماج بزه را تعیین می کنند. بنابراین حمایت و حفاظت آماج های جرم باید متناسب و اصولی باشد. تدابیر پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار با دخالت در وضعیت های بیش از بزهکاری توانایی حمایت از آماج- موضوع مادی را دارند و نمی توانند از آماج- موضوع غیر مادی مانند اندیشه های افراد به درستی محافظت کنند.

لذا، پیشگیری وضعی توانایی مبارزه با جرم های مادی ای که از سوی بزه کاری رخ می دهد را دارد. تقویت و حمایت از آماج های جرم روشی است که برای پیشگیری از جرم موانع و حصارهای فیزیکی را بکار می گیرد. هدف از این حمایت، تقلیل آسیب پذیری آماج ها است. حمایت و حفاظت از آماج های جرم ممکن است به اشکال متفاوتی انجام پذیرد این اقدامات به هر شکلی که باشند معمولاً بصورت مکانیکی و فیزیکی، الکترونیکی و مغناطیسی است. تاثیر ابزارهای تقویت و حمایت کننده آماج های جرم در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته است. «با وجود پیش بینی ها و هشدارهای داده شده پیرامون نقایص این قبیل تحقیقات» بنظر می رسد اقدامات حمایت و تقویت کننده آماج های جرم در شرایط و موقعیت های متفاوت می توانند بسیار موثر باشند. در هر جامعه ای مردم رفتارهای زیاد و متنوعی بمنظور مراقبت از خودشان در برابر جرائمی که لازمه وقوع آن ها رویارویی با دیگران می باشد در پیش می گیرند. همچنین بزه دیدگان باید به هنگام رویارویی با بزهکاران در خصوص ایستادگی و مقاومت در برابر آنان، به انحاء گوناگون اتخاذ تصمیم نمایند.

با این وجود تا کنون وجود یک رابطه علی و معلولی با ثبات میان اجتناب از خطر و کاهش بزه دیدگی ثابت نشده است. مطالعات انجام شده در این زمینه اغلب از توجه به سن، نژاد و مجاورت و سایر متغیر های مربوطه به هنگام ارزیابی رابطه مذکور غافل بوده اند. با این وجود کارایی اجتناب از جرم ظاهراً از نقطه نظر منطق امیدوار کننده است. هدف از کنترل دسترسی این است که از یک سو، ورود آنان به یک مکان مورد نظارت باشد تا سوء استفاده کنندگان و افراد ناباب نتوانند برای ارتکاب رفتار مجرمانه در آن نفوذ نمایند و از سوی دیگر، از حیث فیزیکی بتوان آماج ها را مورد حمایت قرار داد. روش منحرف کردن بزهکاران درصدد است تا به نحوی از رویارویی مجرمان احتمالی با موقعیت یا فرصت های ارتکاب بزه جلوگیری کند. یکی دیگر از رویکردهای پیشگیری وضعی به منظور مقابله با جرم کنترل تسهیل کننده ها یا ابزار و وسایلی را که برای بزهکاری و ارتکاب

^۱-Ronald clark.

جرم لازم بوده و یا احتمال وجود این وسیله ها را که بزهکاران احتمالی را به ارتکاب جرم تشویق یا تحریک می کند، کاهش دهد.

۲-۳- افزایش خطر ارتکاب جرم و کاهش جاذبه آماج ها

دسته ای دیگر از استراتژی ها، در صدد افزایش خطر برای مجرمان هستند. مراقبت و نظارت رسمی در کاهش میزان بزهکاری بسیار موثر است شاید بتوان گفت مراقبت رسمی معروف ترین شیوه پیشگیری وضعی از جرم است. این مراقبت را پلیس محقق می کند تا با بهره گیری از پوشش رسمی یا استفاده از دیگر وسیله ها مجرمان احتمالی را بترسانند و از این رهگذر آنان را از ارتکاب جرم منصرف کنند. تردیدی نیست که با پیشرفت و تکامل تمدن انسانی و افزایش وسایل ارتباطی و تکنولوژیکی، امکانات برای وقوع جرایم، پیوسته رو به افزایش است. اگر از این خطرات جلوگیری نشود، جنایات و جرایم اشاعه بیشتری خواهد یافت و آن وقت وسیع ترین و مجهز ترین دستگا ههای پلیسی جهان نیز قادر به مبارزه و تباهی نخواهد بود. کارکنان و افرادی که به گونه ای کارشان با محیط بیرون مرتبط است از رهگذر مراقبت و نظارت غیر رسمی نقش بسزایی در پیشگیری وضعی و موقعیت مدار ایفاء می کنند. مراقبت غیر رسمی بوسله کارمندان خدمات دولتی، شرکت ها و شهروندان معمولی و بخش های خصوصی مثل موسسات ایمنی به صورت بخشی از یک نقش یا شغل پیشگیری از جرم تجلی می کند. اگر جاذبه مالی و روانی سیبل جرم کاسته شود، به طوری که منافع ارتکاب جرم کاهش یابد، بنا به اصول جلوی ارتکاب جرم گرفته خواهد شد.

هدف این مرحله از تکنیک های پیشگیری وضعی تقلیل میزان درآمد و سود و مزایای حاصله از ارتکاب جرم برای مجرمین است به نحوی که مجرم دیگر تمایلی به ارتکاب جرم نداشته باشد چرا که امکان بهره برداری و انتفاع از آن آماج برای او به حداقل رسیده یا مقدور نمی باشد. این روش دارای اشکال متنوعی است که عمده آنها عبارتند از: حذف آماج های جرم؛ علامت گذاری اموال، تغییر رفتار بزه دیدگان و وضع قواعد خاص اطفال و نوجوانان.

۴- پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان

پیشگیری اجتماعی، ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح جامعه و فرد و منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می شود. پیشگیری اجتماعی نتایج مثبتی داشته است. در پیشگیری اجتماعی بدنبال هماهنگ سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم، محور اقدامات در پیشگیری اجتماعی فرد است، به دیگر سخن پیشگیری اجتماعی مجرم مدار و فرد مدار است. در حالی که پیشگیری وضعی بزه دیده مدار است. در پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه در صدد هستیم تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القا کرده و به او قدرت ارزیابی و ارزشیابی عملکرد خویش را به او بدهیم. پیشگیری اجتماعی به انواع محیط های پیرامون فرد تاثیر می گذارد. هر یک از محیط های خانه، مدرسه، دانشگاه و دوستان در یک مقطع خاص زمانی عمل کرده و فرآیند جامعه پذیری را تسهیل می کنند.

۴-۱- پیشگیری جامعه مدار

در این قسمت عناوین ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده و برنامه های اصلاحی مناسب در سطح جامعه مورد بررسی قرار می گیرد.

۴-۱-۱- برنامه های اصلاحی مناسب با ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده

خانواده اولین پایه گذار شخصیت و ارزشها و معیارهای فکری کودک است و نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی آینده او دارد. از مهمترین عوامل در تربیت فرزندان سیر کردن آنها از مهر و محبت است. کانون خانواده، آشیانه کودک است که خودش را به آن وابسته می داند و بدان دلگرم است. نزاع و درگیری پدر و مادر امنیت و آسایش را از کودکان خانواده می گیرد و آن جوجه های بی پر و بال را مضطرب و پریشان می کند یا از ترس به گوشه ای می خزند یا از خانه فرار

می کنند و به کوچه و خیابان پناه می برند و ناسازگاری در محیط خانه، کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار می دهد. یکی از خاطره های تلخ کودکان تماشای صحنه های دعوی پدر و مادر است که غالباً تا آخر عمر آن را فراموش نمی کنند. چنین کودکانی غالباً پریشان، بدبین و مبتلای به ضعف اعصاب خواهند بود. تفریح و ورزش والدین با کودکان و نوجوانان همیشه لذت بخش و شادی آفرین است.

در زمان بازی است که کودک خود تجربه می کند، می آموزد، رعایت دیگران را می کند، مهارت ها را فرا می گیرد، سعی و تلاش و کنجکاوی می کند، چگونه سخن گفتن در برخوردها را فرا می گیرد. نظم و انضباط را در حین بازی و ورزش می آموزد و نیز یاد می گیرد که چگونه حق دیگران را رعایت کند.

یکی از روش های بسیار موثر در تربیت کودک و ارضای نیازهای او تشویق و دادن پاداش برای کارهای خوب کودک است. اصولاً تشویق در نهاد کودک تاثیر فوق العاده ای دارد و او را به انجام کارهای نیکو ترغیب می کند. هر انسانی طبعاً خودش را دوست دارد و می خواهد دیگران به شخصیت او احترام بگذارند و از او قدرشناسی کنند. حال اگر کودک در کارهای خوب مورد تحسین قرار گیرد به آن کارها متمایل می شود و بر عکس. معمولاً در دراز مدت افزایش رفتار مناسب بسیار آسانتر و اثر بخش تر از کاستن از رفتار نامناسب می باشد هر چند مواقعی وجود دارد که والدین مایلند برای کاهش مستقیم رفتار نامناسب کار محسوس انجام دهند. در این مقطع بهتر است والدین درباره دلیل بدرفتاری کودک و مخصوصاً اینکه می خواهند چه چیزی جای آن را بگیرد تصمیم بگیرند. رفتار خواستار جلب توجه، موجب آزار والدین می شود.

والدین باید درباره حقایق زندگی و مسائل جنسی با فرزندان خود به طور مناسب به گفتگو بنشینند و در روشن کردن حقایق برای آنان غفلت نورزند. اولین برخورد و تماس با هر فرد یا شیئی اثر عمیقی در ذهن بر جای می گذارد. زیرا در درجه اول بایستی افکار نادرست و نامناسب آموخته شده در زمینه مسائل جنسی را تغییر نموده و سپس به آموزش مناسب مسائل جنسی اقدام کنند. گروه کثیری از والدین درباره مسائل جنسی نمی خواهند با کودکانشان صحبت کنند زیرا خودشان از بحث درباره مسائل جنسی احساس ناراحتی می کنند. اگر کودک و نوجوان سوالاتی درباره مسائل جنسی مطرح می کند باید به پرسش او پاسخ داده شود. پاسخ باید بدون احساس شرم و گناه و در عین حال به طور خلاصه و صادقانه ارائه گردد. کودکان و نوجوانان بالاخص دختران در مدرسه با دوستان و همکلاسی های خود درباره مسائل جنسی به بحث می پردازند و از طریق تلویزیون و کتب گوناگون با ازدواج، سقط جنین و سایر مسائل آشنا می شوند. بدین طریق کودکان و نوجوانان کنجکاو تر شده و از این که والدین درباره این مسائل به آنها اطلاعاتی نداده اند، متعجب خواهند شد. امروزه نقش موثر خانواده در پیشگیری از انحرافات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست، اما اینکه خانواده از چه نوع ساختاری برخوردار باشد و روابط بین اعضای خانواده چگونه باشد تا بتواند نقش خود را در پیشگیری از انحرافات اجتماعی به خوبی ایفا کند، دیدگاه های متفاوتی مطرح شده است. از دیدگاه های اصلی و عمده مثل آموزش مدار، کنترل مدار، عاطفی مدار، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۱-۴-۲- برنامه های اصلاحی مناسب در سطح جامعه

برنامه های اصلاحی مناسب در سطح جامعه در دو قسمت تامین آموزش و پرورش مناسب و ایجاد واحد مدیریتی در پیشگیری از وقوع جرم قابل بررسی است.

-بعد از محیط خانواده که محیطی غیر انتخابی و حتمی برای کودک و نوجوان است، محیط مدرسه و کلاس درس موثر در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان می باشد. تحقیقات نشان می دهند که تا حد زیادی این خود مدارس هستند که مسئول شکست تحصیلی، رفتار اخلاص گرایانه و فرار دانش آموزان می باشند. لذا، کانون اصلی راهکارهای اجتماعی پیشگیری از بزهکاری از طریق مدرسه، باید اتخاذ سیاست هایی باشد که موارد افت تحصیلی، رفتار اخلاص گرایانه و فرار از مدرسه و دیگر مشکلات رفتاری دانش آموزان را به حداقل برسانند. مسلماً مدرسه هیچگاه نمی تواند محرومیت های کودک را به طور کامل جبران کند؛ اما می تواند کودک را نسبت به ارزش های اساسی خود آگاه سازد و به او بیاموزد که چگونه می تواند آنها را پرورش دهد. در نتیجه حضور نوجوانان در یک مدرسه خوب امید است که او به صورت فردی توانا و شایسته بارآید. در واقع، این

وظیفه دولت و سازمان های ذیربط است که با وسائل مقتضی هم عرض آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت، رشد فکری، بالا بردن بینش کودکان و نوجوانان، پیش بینی لازم جهت مبارزه و جلوگیری از آلودگی گناه، شرایط مادی و معنوی، احتیاجات و ضرورت های زندگی آنان را تا حد امکان هماهنگ سازند و با وسائل مقتضی به جنبه های اخلاقی و معنوی امور آنان توجه کافی مبذول دارند.

- همواره پیشگیری بر درمان مقدم است و بزرگترین راه توسعه قضایی شاید توجه جدی به این مسئله باشد. پیشگیری علاوه بر آنکه نقش سازنده تری در سالم سازی فردی و اجتماعی دارد به لحاظ هزینه های مربوطه نیز می تواند کم خرج تر از درمان باشد. بدیهی است که این گونه تئوریهای علمی در زمینه پیشگیری هنگامی به موفقیت می انجامد که یک مدیریت مناسب در بطن قوه قضائیه برای پیگیری این امر مهم و تحقق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بوجود آید تا در زمینه مطالعات و تحقیقات که در اصل همان رسیدن به تئوری شناخت جامعه و پیشگیری قبل از ارتکاب جرم باشد اقداماتی را انجام دهد. روشن است که ایجاد واحد مدیریت مناسب در قوه قضائیه و ارائه راهکارهای مناسب برای تحقق این هدف زمانی می تواند مفید باشد که هماهنگی سایر قوای مقننه و مجریه را نیز به همراه داشته باشد. چرا که ریشه بسیاری از جرائم و ناهنجاری های اجتماعی به عواملی بر می گردد که حل و اصلاح آن در چهار چوب وظایف قوه قضائیه نبوده و غالباً از وظایف دستگاه اجرایی کشور به شمار می رود و در مواردی نیز قوه مقننه می تواند راه گشای حل معضلات قانونی و اصلاح و تغییر سیاست جنایی باشد. اکنون هدف از اجرای مجازات اهدافی انسانی و بشر دوستانه است و به بزهکار به عنوان فردی که نیازمند به کمک برای اصلاح و بازسازی خود می باشد نگریسته شده است و چنانچه مجازات بتواند علاوه بر هدف سزادهی و عبرت آموزی در سازگار ساختن مجدد اجتماعی بزهکار و اصلاح او قدم بر دارد می توان به آن به عنوان یک کیفر سودمند نگاه کرد. در وهله ی نخست لازم است زمینه تغییر نگرش در قوای سه گانه علی الخصوص قوه قضائیه به عنوان متولی و مجری پروژه پیشگیری از جرم فراهم آید و لازم است بخش عظیمی از انرژی و توان این قوه در راستای جلوگیری از ارتکاب جرم و اجرای اصل ۱۵۶ قانون اساسی مصرف گردیده و وضع قوانین کارا و موثر و حذف قوانین جرم زا، تصحیح سیاست جنایی و تغییر نگرش به نوع کیفرها با تکیه بر تعالیم دین مبین اسلام و قوه مجریه با اختصاص بودجه و اعتبارات مناسب برای از بین بردن عوامل جرم زا مانند بیکاری، تورم، گرانی، ایجاد تسهیلات برای ازدواج جوانان، فراهم کردن محیط تفریحی و ورزشی مناسب برای اطفال و نوجوانان و ... قوه قضائیه رادپیشگیری از جرایم یاری کنند. ایجاد تشکیلات مناسب برای نیل به اهداف فوق یکی از وظایف قوه قضائیه است. با بستر سازی برای پروژه های علمی مربوط به پیشگیری از وقوع جرم، تدوین لوایح مناسب در راستای تصحیح سیاست جنایی و اصلاح قوانین موثر واقع گردد.

۴-۲- پیشگیری رشد مدار

پیشگیری اجتماعی رشد مدار با مداخله ی زودرس در فرآیند رشد. برای جامعه پذیری افراد در صدد است تا از تداوم مشکلات رفتاری کودکان در معرض خطر جلوگیری کند. بر اساس پژوهش ها، برای این که این پیشگیری بتواند به رشد سالم کودکان مشکل دار کمک کرده و از استقرار رفتارهای بزهکارانه در آنان جلوگیری کند، از دو رهیافت شناسایی عوامل خطر و تقویت عوامل حمایتی استفاده می کند.

۴-۲-۱- شناسایی عوامل خطر

در پیدایش و پایداری رفتارهای مجرمانه شرایطی نقش دارند که عوامل خطر نامیده می شوند. این عوامل به ویژگی های فردی، شرایط اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی، جمعیت شناسانه و دیگر شرایطی که احتمال وارد و درگیر شدن افراد در رفتارهای مجرمانه ی مزمن را در آینده افزایش می دهند. انسان در دوران طفولیت از عوامل حمایتی مانند کانون حمایت از خانواده، عشق والدین، آموزش مدرسه، کودکانستان، رابطه تعاملی سازنده با مربیان، آموزگاران، دوستان و خانواده برخوردار است. اگر این عوامل حمایتی کارکرد خود را درست انجام ندهند، تبدیل به عوامل خطر می شوند.

-عوامل خطر فردی به ویژگی های شخصی افراد بستگی دارند و درمختل کردن فرآیند رشد افراد و جامعه پذیری آنان نقش تعیین کننده ای ایفا می کنند. پرخاشگری یکی از عوامل خطر فردی است که معمولاً در سنین ۲۷ تا ۲۹ ماهگی از سوی کودکان بسیار رخ می دهد. کودکان در این دوران به دلیل حس مستقل شدن از رهگذر پرت کردن اشیا و گاز گرفتن دیگران به پرخاشگری مبادرت می ورزند. نبودن شرایط معیشتی مطلوب برای مادران باردار و نوزادان و نداشتن عزت نفس و نداشتن احساس مسئولیت و استفاده از مواد مخدر و موارد دیگر از عوامل خطر فردی موثر در پیدایش بزهکاری می باشند.

-خانواده به عنوان موثرترین عامل در پرورش کودکان و نوجوانان، در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، نقش گسترده ای دارد. بدین ترتیب، اقدام های تنبیهی و تشویقی بی ضابطه ی پدر و مادر، برخورد نامناسب آنان ویی سواد و رواج پرخاشگری میان اعضای خانواده و مانند آنها عوامل خطری هستند که بیم پایداری نابهنجاری و در نهایت بزهکاری را در آینده بوجود می آورند.

-محیط مدرسه نیز در پیدایش عوامل خطرو رفتارهای ضد اجتماعی جایگاه ویژه ای دارد. این محیط ممکن است مسایل گوناگونی را به کودکان نمایان کند که در بزهکاری آنان درآینده موثر واقع شود. از جمله شکست تحصیلی، رفتار توام با اخلاص گری و آشوب. اخراج همیشگی از مدرسه، عقب ماندگی تحصیلی به علت فقدان آینده بینی و برنامه ریزی صحیح و عوامل خطر دیگری که در مدرسه امکان تاثیرگذاری داشته، باید مورد توجه قرار گیرد.

-الگوپذیری نادرست کودک و نوجوان از همسالان نابهنجار و کنترل منفی گروه همسالان از جمله مهم ترین زمینه های خطر گروه همسالان در دوره نوجوانی است. وجود شرایط آسیب زا در خانواده موجب فاصله گرفتن هر چه بیشتر نوجوان از خانواده شده و او را به سوی همسالان نابهنجار که وضعیتی مشابه دارند سوق می دهد.

رسانه ها هم به عنوان بانفوذترین ابزار ارتباطی نقش عمده ای در گسترش زمینه ها و شرایط خطر برای کودکان و نوجوانان ایفا می کنند.

۴-۲-۲- عوامل حمایت کننده برای پیشگیری رشد مدار

در این قسمت عناوین ۱- عوامل حمایت کننده فردی، ۲- عوامل حمایت کننده خانوادگی، ۳- عوامل حمایت کننده در مدرسه و ۴- عوامل حمایت کننده در زمینه همسالان و رسانه ها مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۲-۲-۴- عوامل حمایت کننده فردی

روان شناسان برخورداری از تعادل شخصیتی را یکی از مهم ترین ضرورت های کمک و حمایت از اطفال و

نوجوانان در معرض خطر می دانند منظور از تعادل شخصیتی فرایند رشد سالم انسان است که تواناییهای اجتماعی، تحصیلی و شغلی را در وی ایجاد می کند. آموزش و آگاه کردن نوجوان درباره کارکرد سیستم جامعه به منظور شناخت راههای مشروع کسب موفقیت و نیل به مدارج اجتماعی، دخیل نمودن نوجوانان در تصمیم گیری ها و برنامه ریزیها و ارزیابی اجتماعی، دخیل نمودن نوجوانان در تصمیم گیری ها و برنامه ریزیها و اقدامات خود نیز با افزایش حس مسئولیت پذیری عزت نفس آنان را افزایش می دهد. از آنجا که اطفال و نوجوانان در معرض خطر به دلیل شرایط نامطلوب رشدی ممکن است الگوهای فکری غیرمنطقی داشته باشند لذا قابلیت تقویت مهارت های اجتماعی، تصمیم گیری و ارتباط را نخواهند داشت بنابراین به اطفال باید آموزش داده شود تا مهارت های اجتماعی آنان تقویت شود. سیاست جنایی نوین ایران می بایستی نه تنها در صدد حمایت از اطفال بزه دیده بر آید، بلکه تلاش هم بنماید تا با ارائه روش های پیشگیری، بالا بردن سطح معلومات و آگاهی اطفالی که مشتاقانه به دنبال راهنمایی هستند، در جهت پیشگیری از بزه دیدگی آنها گام بر دارد. به عبارت دیگر، اطفال برای پیشگیری از بزه دیدگی موظفند به آموزش ها و ابزاری مجهز شوند تا آنها را در برابر بزهکاران بزرگسال به آماج

های غیر قابل اصابت تبدیل کند. از آنجا که اعتیاد دارویی و وابستگی به مواد مخدر موضوعی پیچیده و دارای ابعاد مختلفی است، بنابراین، هر نوع برخورد و مبارزه با رشد بی رویه و خطرناک آن مستلزم اقداماتی است. ازجمله مهم ترین راهکارهای پیشگیری از گرایش اطفال و نوجوان به مواد مخدر و اعتیاد آور بکارگیری مهارت های افزایش خود کنترلی، برنامه های آموزشی مناسب برای خانواده ها، راهکارهای مقابله با استرس و اضطراب و مهارت های قاطعیت ورزی و عدم تقلید از دوستان ناباب است.

۲-۲-۴- عوامل حمایت کننده خانوادگی

در پیشگیری رشد مدار که به دنبال شناسایی عوامل خطر گرایش به بزهکاری در مسیر رشد کودکان و نوجوانان و تلاش برای رفع عوامل خطر و انجام مداخلات حمایتی در این زمینه است، ضرورتاً باید محور جستجوی عوامل خطر و در نتیجه نقطه تمرکز، اقدامات و مداخلات حمایت کننده خانواده باشد. کودک حیاتی ترین دوان رشد خود را در درون خانواده آغاز و سپری می کند و در تمام این دوران عمیقاً تحت تاثیر شرایط مطلوب یا نامطلوب خانواده است لزوم حمایت از خانواده ها و انجام مداخلات حمایتی در درون خانواده ها مبتنی بر این منطق است که جامعه نباید منتظر بماند تا کودکان در محیط نامساعد خانوادگی دچار انواع آسیب های جسمی و روانی گردیده و تبدیل به عناصری نابهنجار شوند و آنگاه با به کار گیری امکانات پلیسی و قضایی و صرف هزینه های هنگفت به دنبال تعقیب و مجازات آنان باشد، بلکه این حق کودکان و نوجوانان و خانواده ها و از سوی دیگر تکلیف دولت هاست که خانواده ها را مورد حمایت و کمک قرار دهند تا نقش اساسی خود را در پرورش کودکان و نوجوانان به شایستگی به انجام برسانند. نقش خانواده در تربیت افراد و ایجاد احساس آرامش و امنیت برای آنان بسیار پر اهمیت است. به دیگر سخن، خانواده همانند حمایتگاهی است که برقراری تعادل شخصیت انسان را بر عهده دارد تا از این رهگذر فرآیند رشد کودکان به درستی تکمیل شود. هرگاه خانواده این نقش را به خوبی ایفا کند، کودکان در آینده فردی جامعه پذیر می شوند و در غیر این صورت، ممکن است به افرادی ناسازگار و در نتیجه بزهکار تبدیل شوند. برای مقابله با چنین وضعیتی، انجام برخی برنامه های حمایتی می تواند در کاهش تاثیرهای نامطلوب چنین خانواده هایی تاثیر گذار باشد. یکی از پیامدهای مشکلات درونی خانواده ها فرار از خانه است. نوجوانان با مشاهده ی شرایط نادرست حاکم بر فضای خانه، ترک آن را بر ماندن ترجیح می دهند.

۳-۲-۴- عوامل حمایت کننده در مدرسه

جایگاه مدرسه و نظام آموزش و پرورش در حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر جایگاهی منحصر به فرد است. گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری ناشی از اختلال در کارکردهای رشدی، جامعه پذیری و کنترلی نخستین مراجع جامعه پذیری کودک یعنی خانواده و مدرسه است. نظام آموزش و پرورش ابزار رسمی اجتماع برای انتقال ارزشها و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی به کودکان و نوجوانان است، کودک در سنین مدرسه در شرایط حساسی قرار دارد که هم می توان نشانه های اولیه اختلالات رفتاری را در وی کشف کرد و هم قابلیت اصلاح رفتار و بازگشتن وی به مسیر رشد مطلوب در این سنین بسیار قوی است. آموزگاران افزون بر توجه به آموزش دانش آموزان باید به تربیت و پرورش فکری و روانی آنان نیز توجه ویژه ای داشته باشند تا چگونگی برخورد با مشکلات اجتماعی و مسائل مربوط به خویش را فرا بگیرند. بدین ترتیب، آموزگار می تواند با استفاده از ساز و کار تشویق یا تنبیه این مطالب را به دانش آموزان بیاموزد، زیرا، همان گونه که رفتار ناپسند سزاوار پاسخ تنبیهی است، رفتار پسندیده سزاوار پاسخی تشویقی است تا از این رهگذر آنان یاد بگیرند که چه کرداری درست و چه کرداری نادرست است.

برای جلوگیری از ترک تحصیل و آثار نامطلوب مانند حضور نوجوانان در خیابان، پیوستن به گروه های بزهکار، خشونت و سایر رفتار های خطرناک باید منابع و خدمات اجتماعی را در محل مدارس متمرکز کرد. در این صورت دانش آموزان در معرض خطر ترک تحصیل صرف نظر از مشکلات درسی، مشکلات مهم غیر تحصیلی از جمله درآمد ناچیز و سوء کارکرد خانواده، مشکلات

جسمانی و روانی، ابتلا به مواد مخدر و غیره که دارند برای حل مشکل ترک تحصیل آنان مشکلات زمینه ای مرتفع شود. و همچنین همکاری گروه های ذیربط و رابطه و همکاری بین اداره آموزش و پرورش و نهادهای خدمت رسانی برای برطرف کردن مشکلات دانش آموزان می تواند موثر واقع شده و از بزهکاری و ترک تحصیل آنان جلوگیری کند.

۴-۲-۲-۴- عوامل حمایت کننده در زمینه همسالان و رسانه ها

رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی و بخصوص تلویزیون در هدایت و تربیت و بالا بردن شعور اجتماعی نقش موثری ایفا می کند و به عکس در صورتی که برنامه های آن بدون کارشناسی یا هدف آن برخلاف خیر و صلاح عمومی باشد، می تواند باعث گمراهی، انحراف و فساد مردم شود. با تبدیل خانواده گسترده به هسته ای و با افزایش جمعیت شهر نشین، بخشی از کارکرد جامعه پذیری که در گذشته یگانه عامل آن خانواده بود به رسانه های جمعی واگذار شده است و بدین ترتیب رسانه های جمعی در انتقال اطلاعات و آگاهی نقش مهمی یافته اند. تحقیقات وسیع به منظور ارزیابی آثار برنامه های تلویزیونی انجام شده اند. اهمیت انکار ناپذیر نقش همسالان در فرآیند رشدی، جامعه پذیری و کنترلی کودکان و نوجوانان، استفاده از قابلیت های همسالان در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر را ایجاب می کند. استفاده از همسالان یا بزرگسالان داوطلب در مدارس برای کمک درسی به دانش آموزان ضعیف و پیگیری حضور و غیاب و تماس با والدین دانش آموزان غایب نمونه ای از مداخلات حمایتی در زمینه همسالان می باشد. همچنین استفاده از مشاوران با تجربه و ارائه خدمات مشاوره ای برای کودکان و نوجوانان با همکاری همسالان و والدین نمونه دیگری است که می تواند موثر واقع شود.

نفوذ روزافزون رسانه ها در قرن اخیر ابعاد مختلف فردی و اجتماعی زندگی انسان را در تسخیر رسانه قرار داده است به گونه ای که عصر حاضر را عصر ارتباط و هدایت از دور نام نهاده اند. تحقیقات انجام شده نشان می دهد که بیشترین تماشاگران تلویزیون کودکان کمتر از ۱۵ ساله هستند. که اهمیت نقش حمایتی رسانه ها و استفاده از کارکردهای مثبت آن را لازم و ضروری نشان می دهد. نمی توان منکر این نکته شد که تلویزیون و رسانه های جمعی، بویژه برای کودک، بسیار القاگر است و بشدت او را تحت تاثیر قرار می دهد. باید تلقین پذیری کودکان را مد نظر داشت.

نتیجه گیری

جامعه ناگزیر است ابزارهایی را برای جلوگیری از انحراف اعضا از معیارهای پذیرفته شده رفتار اجتماعی به کارگیرد و تداوم نظم اجتماعی را محقق نماید. در این راستا پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان مستلزم آن است که علاوه بر طی نمودن مطلوب فرایند جامعه پذیری در مراحل مختلف رشد، در طی این مراحل عوامل نفوذ اجتماعی (خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه ها)، ابزارهایی را به کار گیرند. تا تداوم عمل کودکان و نوجوانان به هنجارهای اجتماعی تضمین شود. وجود مقررات انضباطی نامتناسب و غیراستدلالی، عدم قاطعیت اولیای مدرسه در اعمال مقررات انضباطی، غلبه جنبه تنبیهی بر جنبه اصلاحی مقررات، ضمانت اجرای آسیب زا از جمله اخراج از کلاس و مدرسه و بی توجهی اولیای مدرسه نسبت به نشانه های خطر گرایش به بزهکاری از جمله وقوع زورگویی در مدرسه، روابط با همسالان و افت تحصیلی دانش آموزان، بی توجهی معلم و اولیای مدرسه نسبت به حالات روحی و روانی آسیب زا در دانش آموزان از جمله وجود ترس و افسردگی و نوع تدریس معلم کارکرد کنترلی مدرسه بر رفتار دانش آموز را زایل خواهد نمود.

برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان پیشگیری وضعی از جرم با راهکارهای پیشگیری رشد مدار و جامعه مدار باید نقاط کور یکدیگر را روشن ساخته تا به این ترتیب از دستاوردهای متقابل هم در جهت تکمیل روشهای پیشگیری از بزهکاری که هدف مشترک همه آنهاست. و جلوگیری از افراط و تفریط های بی جا در رابطه با مشکل بزهکاری کمال بهره برداری حاصل شود. نتیجه دیگری که می توان اشاره کرد این است که در بسیاری از موارد، مرز بین بزهکاری و بزه دیدگی طفل مبهم بوده و تشخیص آن بسیار دشوار است. با توجه به رابطه ی موجود بین بزه دیدگی و بزهکاری طفل، مبارزه با بزه دیدگی می تواند نقش مؤثری در پیشگیری از بزهکاری، ایفا نماید. به طور کلی، سیاست جنایی ایران در این زمینه می بایستی مبتنی بر

مبارزه با بزه دیدگی و حمایت از طفل بزهکار باشد. به این معنی که باید با هر گونه بزه دیدگی طفل مبارزه نمود (حتی با اعزام به نهادها و مؤسسه‌ها) و برای طفلی که اعمال و رفتار او موجب نقض قواعد کیفری گردیده، تدابیر اصلاحی و حمایتی را در پی گرفت.

انتظار می‌رود با انضباط و مدیریت و برنامه‌ریزی اصولی با جلب نظر جرم‌شناسان، روان‌شناسان و متخصصان و حقوقدانان برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان با همکاری نهاد حکومتی کشور و خانواده‌ها گام‌های بلندی در این عرصه برداشته شود. چرا که بهسازی محیط آلوده‌ترین درمان بزهکاری و اعتلای سطح فرهنگی و اخلاقی مردم عامل بازدارنده از وقوع جرم است. و پرداختن به این موضوع چندین بار بیش‌تر از تدوین یک دوره قانون جزا ارزش خواهد داشت.

منابع

- ۱- ابراهیمی، ش. ۱۳۹۰، "جرم‌شناسی پیشگیری"، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان.
- ۳- اکبری، الف. ۱۳۹۵، "آسیب‌شناسی اجتماعی"، چاپ اول، انتشارات رشد و توسعه.
- ۳- ایران‌شاهی، ح. ۱۳۸۹، "پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمانهای مسئول در قوانین ایران"، با دیباچه دکتر شهلا معظمی، چاپ اول، شرکت زیتون چاپ بهاران.
- ۴- بیگی، ج. ۱۳۸۸، "بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران"، چاپ دوم، نشر میزان.
- ۵- زرگری، م. ۱۳۹۶، "پیشگیری از بزهکاری"، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی انتشارات نگاه بینه.
- ۶- شامبیاتی، ه. ۱۳۸۸، "بزهکاری اطفال و نوجوانان"، چاپ اول، انتشارات مجد.
- ۷- صلاحی، ج. ۱۳۹۳، "بزهکاری اطفال و نوجوانان"، چاپ هفتم، بنیاد حقوقی میزان.
- ۹- کی‌نیا، م. ۱۳۹۷، "مبانی جرم‌شناسی (جلد اول)"، چاپ هفتم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۰- محمد نسل، غ. ۱۳۸۷، "پلیس و سیاست پیشگیری از وقوع جرم"، اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم (دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا)، ۱۱ و ۱۰.
- ۱۱- منصور، م. ۱۳۹۳، "زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان"، چاپ اول، انتشارات دانش.
- ۱۲- نیازپور، الف. ۱۳۸۹، "بزهکاری به عادت از علت‌شناسی تا پیشگیری"، چاپ نخست، انتشارات فکر سازان.
- ۱۳- میر محمد، ح. ۱۳۹۱، "ملاحظات در موضوع پیشگیری از وقوع جرم"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-۳۵، بی تا.
- ۱۴- نجفی ابرندآبادی، ع. ۱۳۹۳، "تقریرات درس جرم‌شناسی (کنترل و واکنش اجتماعی)"، تهیه و تنظیم عباس تدین، دانشگاه امام صادق (ع) - دانشکده حقوق